

چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای در غرب آسیا

پنل سه نخستین کنفرانس امنیتی تهران

اشاره:

نخستین کنفرانس امنیتی تهران در ۲۱ آذر ۱۳۹۵ به همت ۱۲ مرکز مطالعات راهبردی ایران از جمله پژوهشکده مطالعات راهبردی در سالن اجلاس سران برگزار شد. در این کنفرانس یک روزه علاوه بر مقامات عالی‌رتبه کشوری، اندیشمندان مطالعات سیاسی و بین‌المللی به بررسی وضعیت منطقه غرب آسیا پرداخته و در شش پنل جداگانه که به شکل موازی برگزار شد، نقطه‌نظرات خود را در خصوص نظم امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا بیان کردند. در پنل سه، اندیشمندان و صاحب‌نظران مطالعات منطقه با ارائه هشت مقاله برگزیده «چالش‌ها و فرصت‌های منطقه‌ای و تأثیر مسائل نوظهور بر نظم امنیتی منطقه‌ای در غرب آسیا» را مورد بحث بررسی قرار دادند. در زیر به اجمال محورهای اصلی این نشست تخصصی ارائه می‌شود.

۱. چالش دولت‌های ملی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های منطقه غرب آسیا ضعف و ناتوانی دولت‌های ملی است. در منطقه غرب آسیا اغلب دولت‌های ملی جزو دولت‌های شکننده جهان به شمار می‌آیند و دولت‌های سوریه، یمن، عراق، افغانستان، پاکستان و لیبی در رتبه بالای دولت‌های شکننده جای گرفته‌اند. به‌رغم این که دولت‌های ملی همچنان مهم‌ترین بازیگران منطقه‌ای محسوب می‌شوند اما نقش، جایگاه و منزلت این دولت‌ها در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی به شدت متزلزل و تضعیف شده است. دولت‌های ملی در سطح داخلی از کارآمدی لازم برخوردار نیستند.

در سطح منطقه‌ای رژیم صهیونیستی از تضعیف دولت‌های ملی خرسند است و آن را در راستای منافع ملی خود می‌داند. روند ناسیونالیسم در جهان عرب نه آنقدر قوی است که موجب شکل‌گیری خلافت عربی شود و نه دولت‌های ملی موجود از کارآمدی لازم برخوردارند. این روندها به تشدید شکاف و منازعه در منطقه بیش از پیش دامن زده است. دولت‌های ملی در منطقه غرب آسیا عملاً با دو چالش مهم مخالف دولت ملی روبه‌رو هستند که وضع موجود را به چالش می‌کشند: چالش نخست جریان قومی است که به صورت جریان فروملی؛ دولت‌های ملی، مرزها و نمادهای آن را به چالش



خواهند کشید. دولت‌های ملی برای برون‌رفت از این وضعیت باید نسبت به بازسازی و افزایش کارآمدی خود اقدام نمایند.

۲. چالش افراط‌گرایی و تروریسم

دولت‌های استبدادزده و ناکارآمد و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا در دو دهه گذشته موجب شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و افراطی در منطقه شده است. در قرن ۲۱ عملاً نظم تعداد قابل توجهی از دولت‌های ملی در منطقه فروپاشیده و هیچ نظمی نتوانسته جایگزین آن شود. در چنین وضعیتی گروه‌های تروریستی در واکنش به روندهای ملی و مداخله‌های فرامنطقه‌ای شکل گرفته است. القاعده، داعش و جبهه النصره نمونه‌ای از این گروه‌های افراطی در منطقه هستند که در محل هم‌پوشانی مداخله خارجی و ناکارآمدی دولت ملی و گسل ارزش‌های دینی و جهل توده‌ها به وجود آمده‌اند.

تروریسم به زلزله بیشتر موقعیت و منزلت دولت‌های ملی در منطقه منجر شده و وضعیت امنیتی منطقه را با پیچیدگی بیشتری روبه‌رو کرده است. به‌رغم این که در چند سال گذشته در اثر شکل‌گیری گروه‌های تروریستی در منطقه الگوی رقابت/همکاری در منطقه به سمت شفافیت بیشتری رفته است و چند بلوک مشخص در مخالفت و حمایت از آنها در منطقه به وجود آمده است اما الگوی دوستی و دشمنی در این منطقه همچنان بسیار پیچیده است و حمایت از یک طرف منازعه ممکن است به تضعیف متحدان خود و تقویت رقبای دشمنان در جای دیگر بیانجامد.

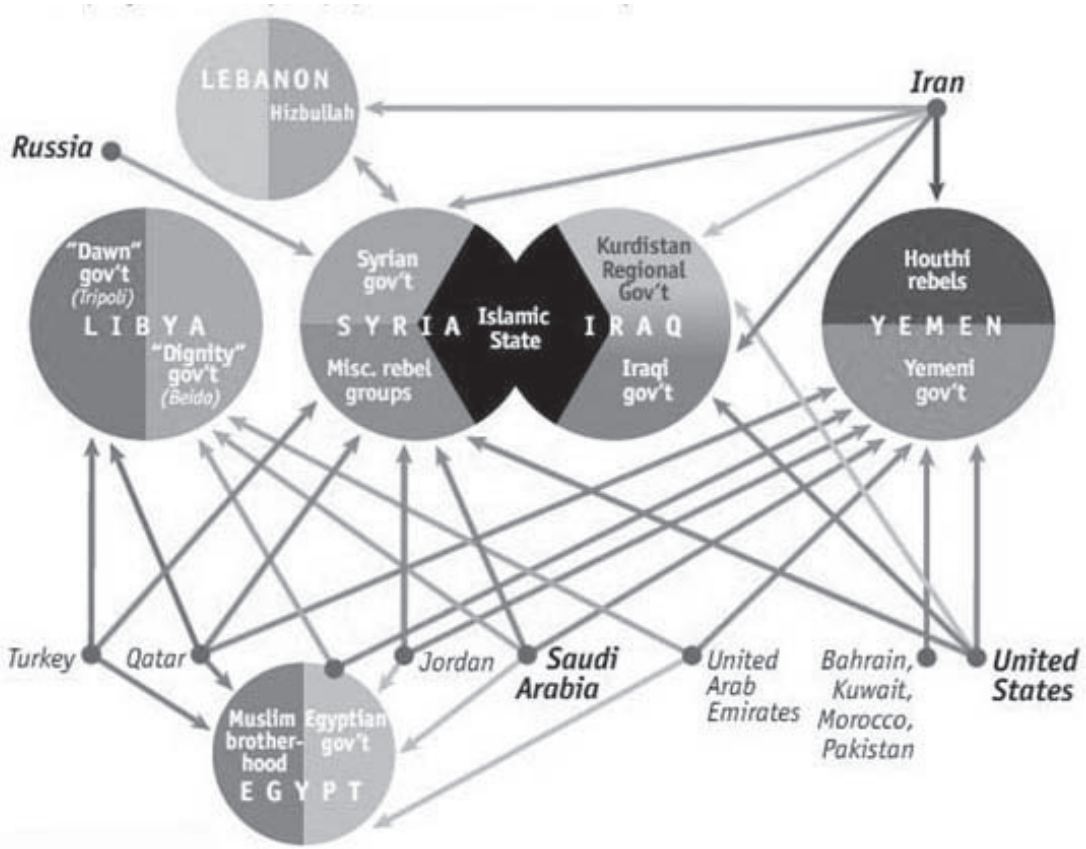
به صورت مشخص روند تحولات در منطقه غرب آسیا در سه سال گذشته بهترین وضعیت امنیتی را برای رژیم صهیونیستی فراهم آورده است. دولت‌های مقتدر عرب از عراق و سوریه تا مصر

می‌کشند. دولت‌های ملی موجود در منطقه تناسب چندانی با قومیت‌های موجود در منطقه ندارند. این روند به دنبال تجزیه دولت‌های ملی موجود در منطقه و ترسیم مرزهای جدید ملی است که با پراکندگی قومی هماهنگی بیشتری داشته باشد. چالش دوم یک روند فراملی است و دولت‌های ملی و مرزهای آن را با دو خاستگاه متفاوت مذهبی و تاریخی به چالش می‌کشد و خواستار شکل‌گیری ساخت‌های سیاسی جدید در قالب خلافت اسلامی یا امپراتوری‌های تاریخی است. هر دوی این روندها و چالش‌ها ریشه در ناکارآمدی دولت‌های ملی دارد و در صورت اصرار بر آنها ناامنی در منطقه بیش از پیش گسترش خواهد یافت.

این دو چالش و روند در کشورهای منطقه به ویژه در عراق، سوریه و ترکیه به خوبی قابل مشاهده است. در عراق سه گروه قومی و مذهبی شیعه، سنی و کرد در کنار هم دولت عراق را شکل می‌دادند و اکنون با فروپاشی دولت در بغداد و ناکارآمدی دولت ملی، روند گریز از مرکز در میان آنها به شدت افزایش یافته است. ساخت نیمه‌فدرالی، فدرالی و تجزیه عراق سه سناریوی پیش روی این کشور در آینده است که وقوع هر کدام از آنها با پیشران‌ها و موانع خاصی همراه است و پیامدهای مخصوص خود را بر نظم امنیتی منطقه خواهد داشت. فروپاشی نظم دولت ملی در عراق می‌تواند مرزهای ملی دیگر کشورهای منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. ترکیه، سوریه و حتی جمهوری اسلامی ایران نمی‌توانند نسبت به تحولات عراق بی‌تفاوت بوده و آنها را در مرزهای ملی خود بی‌تأثیر تلقی نمایند. شکل‌گیری اقلیم کردستان گامی به سوی استقلال این قوم است و عملاً می‌تواند گرایش‌های گریز از مرکز را در ترکیه، سوریه و ایران تشدید کرده و به تنش‌های قومی و مذهبی بیشتر در منطقه دامن بزند. به همین صورت اقلیم شیعه و سنی هستند که بنیان‌های نظم موجود را با شدت به چالش



عمده‌ترین شکاف‌های سیاسی موجود / خاورمیانه



حوثی‌ها به عنوان متحدان نزدیک ایران برخاسته‌اند و در عراق از سنی‌ها در برابر دولت مرکزی حمایت می‌کنند. نوعی تقابل بین دولت‌های منطقه علیه یا له این گروه‌ها شکل گرفته است. در سوریه این تقابل به دولت‌های فرامنطقه‌ای انجامیده است و در مواقعی از سال ۲۰۱۶ احتمال رویارویی بین آمریکا و روسیه بسیار جدی بود.

در روند این تحولات، ائتلاف‌های به وجود آمده در منطقه با جهت‌گیری ایرانی و ضدایرانی، عربی و ضدعربی موجب تشدید تنش بین اعراب و ایران شده

و لیبی طی چند سال گذشته با مداخله خارجی یا فروپاشی داخلی روبه‌رو شده و با گسترش افراط‌گرایی و بلوک‌بندی‌های جدید موجب نزدیکی برخی از دولت‌های عربی به این رژیم شده است که هرگز در مخیله زمامداران آن نمی‌گنجید. تروریسم و افراط‌گرایی به گسترش جنگ‌های نیابتی و مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا نیز دامن زده است. عربستان سعودی و قطر به حمایت از گروه‌های افراطی در منطقه همت گمارده و در سوریه و یمن به مقابله با دولت بشار اسد و

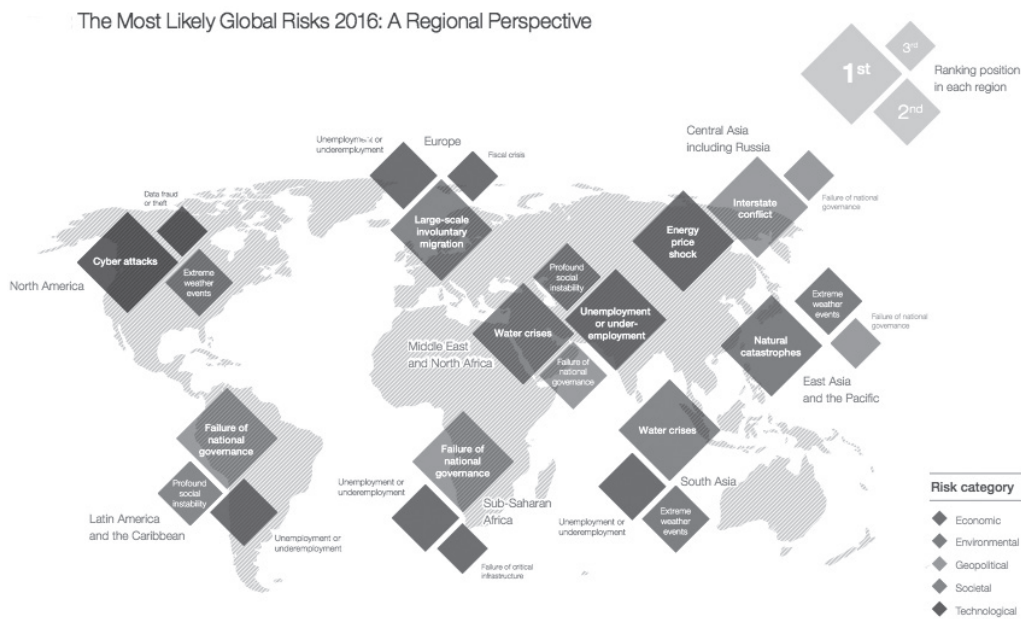
مشکلات اقتصادی، زیست محیطی، ژئوپلیتیکی و اجتماعی در این منطقه به شدت افزایش یافته و آن را به یکی از مناطق پرمخاطره جهان تبدیل نموده است. نقض حقوق بشر در منطقه یکی از نمودهای عینی چالش‌های عدم توسعه انسانی است. در حالی که در جهان حقوق بشر روز به روز اهمیت بیشتری می‌یابد و مورد توجه کنش‌های بین‌المللی قرار می‌گیرد، اوضاع حقوق بشر در منطقه غرب آسیا رو به وخامت می‌رود و هر روز بدتر می‌شود. نقض حقوق بشر در منطقه نه تنها هیچ تأثیر مثبتی ندارد و فرصتی برای ایجاد ثبات و نظم منطقه‌ای به وجود نمی‌آورد، بلکه چالش‌های بیشتری را برای کشورهای منطقه ایجاد می‌کند. در چند سال گذشته مواضع مشترک این کشورها در برابر جهان غرب در حوزه حقوق بشر از بین رفته و برخی از کشورهای منطقه در مجامع بین‌المللی علیه دولت‌های مسلمان دیگر رأی می‌دهند که نمادی از تفرقه در جهان اسلام به شمار می‌آید. صدای واحد آنها در مورد

است و ممکن است به جنگ فرقه‌ای و شیعه و سنی در منطقه منجر شود. این در حالی است که تروریسم و افراط‌گرایی به عنوان یک تهدید مشترک می‌تواند به شکل‌گیری ائتلافی فراگیر منجر شده و عامل وحدت بین اعراب و ایران باشد.

۳. چالش‌های عدم توسعه انسانی و حقوق بشری

توسعه نیافتگی مسئله بنیادی کشورهای منطقه غرب آسیا به شمار می‌آید. دولت‌های استبدادی ناکارآمد، گروه‌های افراطی و خشونت‌طلب و مداخله خارجی سلطه‌جو؛ موجب تشدید بحران‌های اجتماعی و اقتصادی در منطقه شده است. نقض آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم، نقض حقوق بشر، بحران آوارگان و پناهجویان و مشارکت اندک زنان بحران‌های منطقه را تشدید کرده است. مقایسه مسائل و مشکلات این منطقه با سایر مناطق جهان نشان‌دهنده انباشتگی مشکلات در غرب آسیا است. در سال‌های گذشته

مناطق پرمخاطره جهان بر اساس نوع خطرات



Source: Global Risks Perception Survey 2015.



۴. تهدیدات زیست محیطی

چالش‌های زیست محیطی به تدریج از موضوع درجه دوم تهدیدات امنیتی خارج شده و در حال تبدیل شدن به تهدیدات جدی امنیت بین‌الملل هستند. تهدیدات زیست محیطی تهدیداتی با کم‌ترین محدودیت‌های زمانی و مکانی به شمار می‌آیند و تأثیرات‌شان را برفراز مرزهای ملی و بی‌توجه به حوزه‌های سیاسی برجای می‌گذارند. این تهدیدات در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا در وضعیت بسیار هشداردهنده قرار گرفته است. تغییرات اقلیمی، کمبود آب و خشک‌سالی، گرمایش زمین، گازهای گلخانه‌ای، آسیب‌دیدگی و فرسایش خاک، آلودگی هوا، ریزگردها و تخریب جنگل‌ها و مراتع از جمله چالش‌های زیست محیطی است که زندگی در منطقه غرب آسیا را تهدید می‌کند.

حقوق بشر در چند سال گذشته از بین رفته است. این تفرقه موجب کاهش هزینه‌های دولت‌های غربی در اعمال فشار به کشورهای مسلمان منطقه شده است. آنها قرائت خود را از حقوق بشر به کشورهای منطقه تحمیل کرده و از این وضعیت به وجود آمده به نفع خود بهره‌برداری می‌کنند.

جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با رعایت حقوق بشر به تقویت گفتمان اسلامی در منطقه و جهان کمک کند. ایجاد یک جامعه الگو و معیار در ایران می‌تواند منزلت و موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی آن را تقویت نموده و زمینه‌ای برای همکاری کشورهای منطقه در حوزه حقوق بشر در قبال قدرت‌های فرامنطقه‌ای فراهم آورد. رعایت حقوق بشر در منطقه اقدامی در راستای کاهش آسیب‌پذیری‌های منطقه‌ای و بهبود وضعیت حکومت‌داری و حکم‌رانی در جهان اسلام است.

منابع آب شیرین خاورمیانه



نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های نرم و سخت امنیت در منطقه غرب آسیا نشان‌دهنده آن است که این منطقه در وضعیت بسیار هشداردهنده‌ای قرار گرفته است. پیوندهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در منطقه بسیار تضعیف شده و اعتماد کشورها به همدیگر از بین رفته است. اگر این دولت‌ها در منازعه با یکدیگر نباشند، در وضعیت جنگ سرد قرار دارند و با تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به دنبال یاری‌گیری می‌باشند. تنش کلامی در بین جمهوری اسلامی ایران با تعدادی از کشورهای عربی به شدت افزایش یافته است. عربستان به عنوان یکی از کشورهای مؤثر در جهان عرب بر طبل دشمنی با ایران می‌کوبد و به دنبال ائتلاف‌سازی علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه است.

ایجاد اختلاف و تنش نه به نفع منطقه است و نه با اصول و منافع جمهوری اسلامی ایران سازگاری دارد. این وضعیت تنها به نفع رژیم صهیونیستی تمام شده و عملاً جوانان منطقه و عزت و آبروی جهان اسلام در آتش جهل و نفرت می‌سوزد و بستری برای مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در جهان اسلام فراهم آورده است. اصلاح برداشت‌های نادرست، گفت‌وگو میان کنش‌گران منطقه‌ای، اعتماد و همکاری با یکدیگر و تفاهم و تعامل با بازیگران فرامنطقه‌ای تنها راه مقابله با چالش‌ها و تهدیدات موجود و بازگشت نظم و آرامش به منطقه غرب آسیا است.

این تهدیدات می‌توانند منشأ بسیاری از درگیری‌ها و منازعات، تغییرات سیاسی و اعتراضات اجتماعی و مهاجرت و آوارگی انسان‌ها در منطقه شوند. پیامدهای این موضوع سبب می‌شود تا علاوه بر ورود سیل مهاجران به کلان‌شهرها و تشدید بحران آلودگی هوا، تمرکز جمعیت و فشار بر منابع طبیعی منطقه، مناطق مهاجرفرست نیز به دلیل فقدان نیروی کار و خروج سرمایه با بحران‌هایی هم‌چون گسترش رکود، بیکاری و در نتیجه فقر بیشتر دست و پنجه نرم کنند. به همین دلیل تمرکز فقر و نابرابری در فرصت‌ها می‌تواند به عنوان یک پیشران مؤثر، زمینه لازم را برای گسترش جرم و جنایت فراهم کند. این در حالی است که در صورت مقاومت جوامع محلی نسبت به هجوم میلیون‌ها مهاجر ناخواسته، در سال‌های نه چندان دور، آب به پیشران تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آینده در منطقه غرب آسیا بدل خواهد شد.

اجتماعی‌کردن تهدیدات زیست‌محیطی نخستین گام برای مقابله با این نوع تهدیدات است. بدون افزایش حساسیت مردم، کنش‌گران اجتماعی و دولت‌ها به این موضوع نمی‌توان آن را به دستورکاری برای دولت‌ها تبدیل کرد. افزایش تاب‌آوری اقلیمی دومین گام برای مواجهه با تهدیدات زیست‌محیطی به شمار می‌آیند. تهدیدات زیست‌محیطی همچنان که بی‌توجه به مرزهای ملی عمل می‌کنند، نیازمند همکاری جمعی همه کشورهای منطقه و جهان است. مقابله با این نوع تهدیدات می‌تواند بستری برای همکاری میان کشورهای منطقه باشد. مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی می‌تواند با شکل دادن به گفت‌وگو و همکاری بین کشورهای منطقه به فرصتی برای بازسازی روابط آنها تبدیل شود و نقش مثبتی در حل مسائل و برقراری ثبات و نظم در منطقه ایفانماید.

